

شعر و جا

زندگی ایرانیان از دیرگاه با هنر آمیخته بوده ، و هرگز مرزی برای این دو وجود نداشته است . این پایه آمیختگی هنر و زندگی را در هیچ ملتی نمی توان دید .
گوئی ایرانیان این دو را بیکسان دوست میداشتند ، و هنر را از زندگی جدا نمی دانستند . این خود از ویژگیهای زندگی ایرانی است ، و همین ویژگی است که به زندگی ایرانیان رنگ و شکلی خاص بخشیده و آن را در میان زندگی دیگران مشخص ساخته است .
می توان چنین نتیجه گرفت که در ایران همیشه هنر در خدمت زندگی بوده چنانکه در ابزار کار و لوازم زندگی ایرانیان بخوبی این ویژگی بچشم می خورد .
پیوند زندگی و هنر در دموکراسی بسیار محسوس و قابل بحث است . این دو عبارتند از شعر و هنرهای تزئینی .

درباره منزلت و پایگاه شعر در زندگی ایرانیان جای گفتگو نیست .
پیرامون مقام هنرهای تزئینی در زندگی روزانه ایرانیان نیز سخن بسیار رفت ، و شاید ارج و مقام این رشته از هنر ، در زندگی ما و پدران ما روشن شده باشد . اما گفتگوی ما در اینجا پیرامون پیوند این دو ، یعنی شعر و هنرهای تزئینی در ایران است . بحث پیرامون چگونگی پیوند این دو بدست هنرمندان ایرانی و سبب پیوستگی آنها ، بسیار دلکش و جالب است .
بر بسیاری از آثار و اشیاء هنری ایران ، اشعار شیرین پارسی نقش کرده اند . انگیزه هنرمندان و صنعتگران در این کار چه بوده است ؟
هیچکس نیست که از علاقه شدید ایرانیان نسبت به شعر بی اطلاع باشد .

شعر دوستی ، و حتی استعداد شاعری ، در بیشتر مردم ایران وجود داشته و دارد . همین استعداد و علاقه است که ایران را از نظر داشتن شعرای بزرگ و نامور ، و آثار شعری پرمایه بر بلندترین پایه ها قرار داده است .

گذشته از شعرای بزرگ که شهرت جهان گیر آنها نیازی به گفتگو ندارد ، پیدا شدن شعرای بسیار از میان طبقات تعلیم ندیده ایرانی ، دلیل روشنی بر این موضوع است .
گذشته از اینها ، هزاران دوبیتی دلکش که ترانه های روستائی و محلی ایران را تشکیل می دهد ، نمونه دیگری از این ذوق و علاقه مردم ایران به شعر و شاعری است .

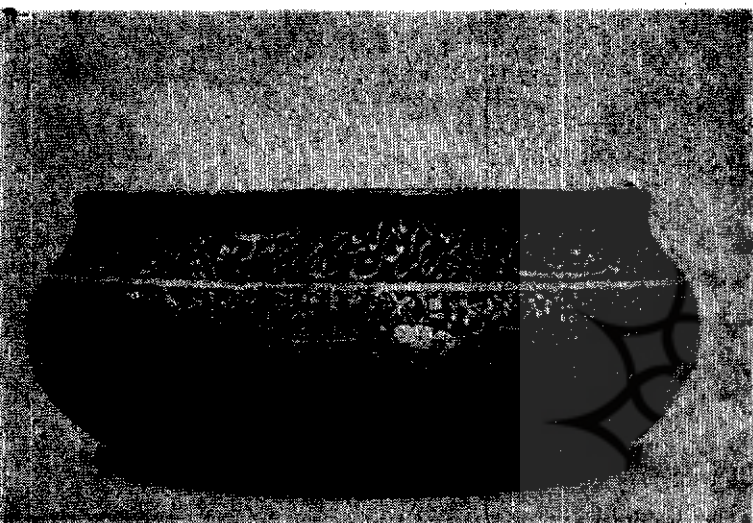
سرایندگان شناخته نشده این دوبیتیهای شیرین ، که برای همیشه در پس پرده گمنامی باقی مانده اند ، بدون تردید باید از میان روستازادگان و کوه نشینان حساس و صاحب ذوق برخاسته باشند . از میان مردمی که در اثر زندگی در دامن طبیعت ، مهر و محبت را دور از آلودگی مادی حس می کرده اند . آنها مردمی بوده اند که شاید خواندن و نوشتن هم نمی دانسته اند اما لوح سینه ها آثار آنان را سینه به سینه تا امروز بما رسانده است .

هیچ دل حساسی نیست که از شنیدن این دوبیتهای شیرین محلی نلرزد، و هیچ فرد ایرانی را نمی‌توان یافت که چند بیتهی از این اشعار را از حفظ نداشته باشد. این دوبیتهای همه مانند سرچشمه‌های خود، یعنی روستاهای دوردست و کوهستانهای سربلک‌کشیده لطیف و خیال‌انگیزند، چون شعله‌های مقدس آتشکده‌های کهن تا امروز نگهبانی شده و برای همیشه محفوظ خواهد ماند. این اشعار با همه سادگی و روانی، پرمغز و آموزنده‌اند. و آنگاه که از زبان مردمی که خود آفریننده‌اند شنیده شوند بسیار دلکش‌تر خواهند بود.

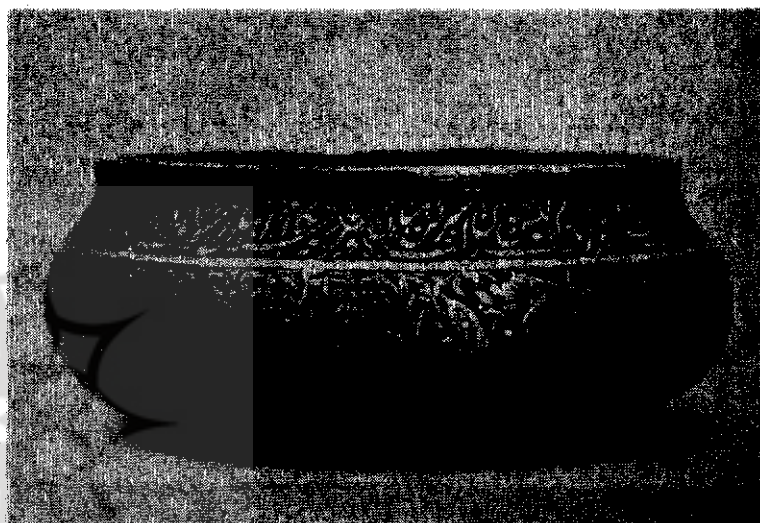
آنگاه که چوپانی جوان، در دل کوهستانهای بلند، همراه با، نی محزون خود نغمه سر می‌دهد که:

خود از روز ازل بختم کج افتاد
معلم آمد و درس غم داد

من از دست فلک تا کی زخم داد
مرا بردند مکتب‌خانه عشق



تصویر دیگری از جام مسی سمت راست



جام مسی کنده‌کاری شده سده ۱۱ - ۱۲ هجری - موزه هنرهای تزئینی

کجا است دلی که از شرح قصه «غم عشق» بخود نلرزد. یا هنگامی که روستائی جوانی بدنبال سرنوشت، یار و دیار خود را در شامگاهی نیمه‌روشن پشت سر می‌نهد، و همگام با آفتاب پریده رنگ شامگاه بسوی دیاری ناشناخته گام برمی‌دارد، و زیر لب این ابیات را زمزمه می‌کند،

پسینی الودا (ع) کردیم و رفتیم
نداشتیم توشه راه غریبی
دل از دلبر جدا کردیم و رفتیم
توکل با خدا کردیم و رفتیم

چگونه می‌توان شرح «بدرود» دردناک او را شنید و در دل براو نگرست.

این دوبیتهای، و هزاران دوبیتهی شناخته و ناشناخته دیگر، دلیل روشنی است که همه مردم ایران چه شهرنشین و چه روستائی به شعر علاقه دارند. کار شعر و شاعری در ایران را نمی‌توان به دسته معینی مربوط دانست، بلکه چه همه مردم درس خوانده و هنرمند و چه صنعتگر و کارگر و سرانجام چوپان و روستائی و کوه‌نشین همه با شعر سروکاری داشته‌اند.

بگفته دیگر شعر، این پرتو تابناک آسمانی، روح هیچ ایرانی را بی‌بهره نگذاشته‌است. هنرمندان و سازندگان آثار هنری، به سبب حساسیت روح از این پرتو بهره بیشتری برده‌اند، و همواره کوشیده‌اند که قسمتی از این پرتو ازلی را، بر آثار خود که آینه روح آنان است منعکس سازند.

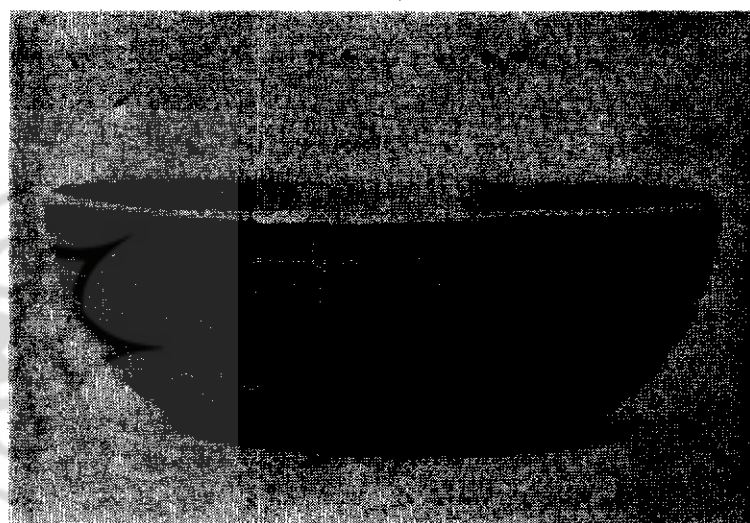
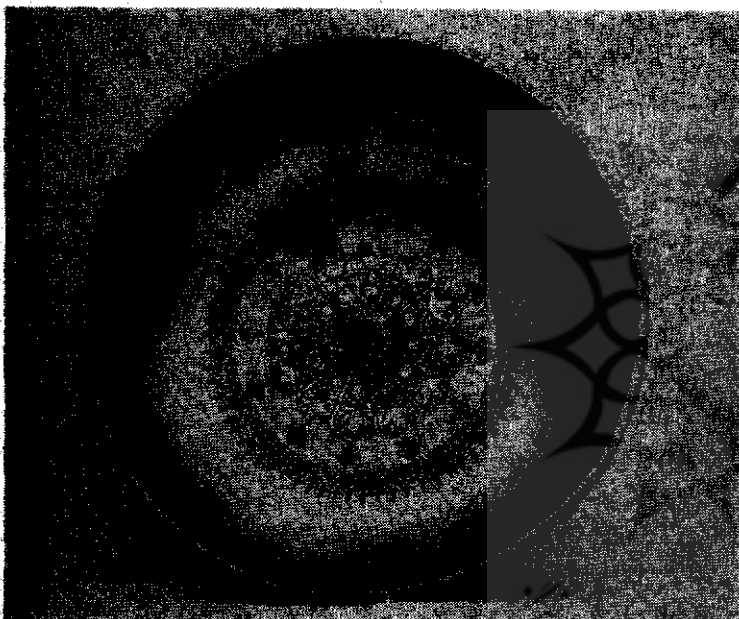
انگیزه نقش‌شعرا بر آثار هنری میتوان در عوامل زیر دانست:

اول - جنبه تزئینی اشعار: بدین معنی که خط شیوای پارسی بویژه قلم نستعلیق، بسبب

زیبائی خود یکی از عواملی است که می‌تواند نقشی زیبا، و درعین حال گویا بر اثر هنری ایجاد کند، و بر زیبایی پدیده هنری بیفزاید. با توجهی که هنرمندان و مردم ایران به هنرهای تزئینی داشته‌اند ارزش و ارج این عامل بخوبی روشن می‌شود.

دوم - هنرمند که خود از درک شعر لذت بسیار می‌برده، کوشا بوده است که قسمتی از لذت خود را به دیگران منتقل سازد. چه هنرمند همیشه سعی دارد که، شادی و غم خود را از راه پدیده‌های هنری بدیگران انتقال دهد. و این خود از عوامل بوجود آورنده هنر است، و اثر هنری همیشه زبان حال هنرمند بشمار می‌آید.

سوم - تناسب و هماهنگی اشعار با نوع پدیده هنری، بدین معنی که هنرمند چون شعری مناسب اثر هنری خود می‌یابد، می‌کوشد که برای افزایش ارزش معنوی و هنری اثر خود آنرا بر آنچه ساخته است نقش کند. بطور مثال کندن شعری شیوا در توصیف شراب، ساقی و جز آن



جام مسی کنده‌کاری شده سده ۱۳ هجری - موزه هنرهای تزئینی

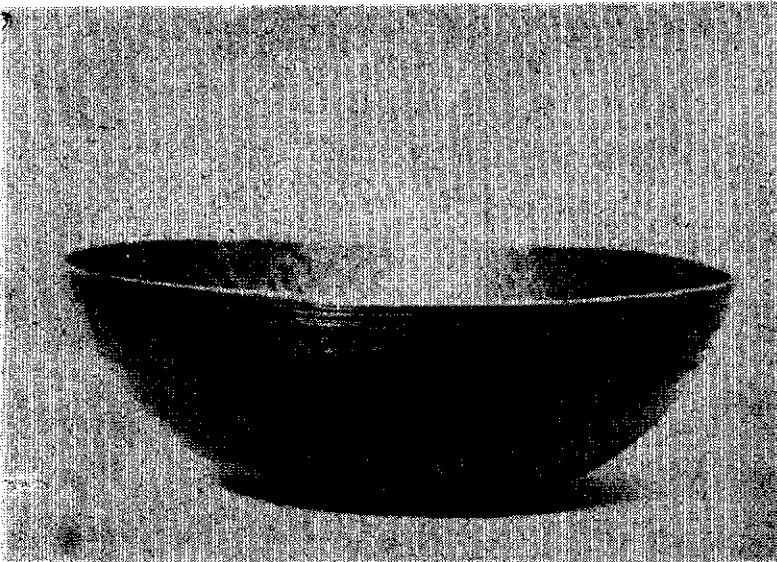
چپ: نقش داخلی جام سمت راست

بر پیاله و پیمانه بی‌گمان ارج پیاله را بیشتر می‌کند. چهارم - و سرانجام باید گفت که همان نیازی، که سبب آفرینش آثار بزرگ شعری، و پدید آوردن دوبیتی‌های روان روستائی بوده، یعنی علاقه و عشق به شعر و شاعری، در اینجا نیز به ظهور رسیده است. سازنده اثر هنری نیاز به شعر را احساس کرده است. و خریدار اثر هنری نیز اثری را که بر آن شعری متناسب نقش شده باشد بیشتر طالب بوده، و جمع این عوامل سبب نقش شعر بر آثار هنری و تزئینی گردیده است.

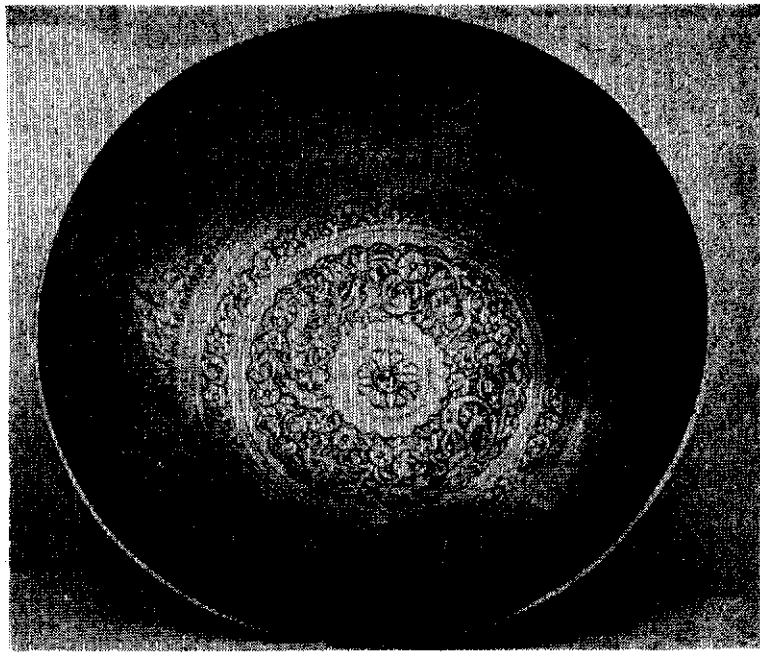
به این ترتیب، بر آثار هنری ایران به تناسب نوع اشیاء و مورد مصرف آنها، اشعاری متناسب نقش شده است.

هنرمندان سازنده، گاهی شعر مورد نظر را از میان اشعار شعرای بزرگ و نامی انتخاب کرده‌اند، و زمانی نیز اشعاری که بنظر می‌رسید زائیده ذوق سازنده یا سفارش‌دهنده است، برگزیده‌اند. اما در هر حال بین شعر و اثر هنری ارتباط کامل و مستقیمی همیشه وجود دارد.

برای مثال در اینجا از اشعاری که بر برخی از جامها، و پیاله‌ها نقش گردیده است یاد



جام برنجی کنده کاری شده سده ۱۳ هجری - موزه هنرهای تزئینی



جام برنجی کنده کاری شده سده ۱۳ هجری - موزه هنرهای تزئینی

می کنیم . جامها و پیالهها مانند همه اشیاء زندگی ایرانی ، سراپا نقش و نگار تزئینی است . بدین معنی که چشم از دیدن نقوش زیبای ایجاد شده بر این جامها و پیالهها لذت می برد ، و روح نیز از خواندن اشعار شیرینی که بر آن نقش بسته سیراب از شادی و سرور می گردد .

بیشتر این اشعار ، از شعرهای دلنشین سخنسرای بزرگ حافظ شیرازی برگزیده شده است . در اینجا ضمن معرفی چند عدد از این جامها ، نقوش و اشعاری که بر آنها نقش گردیده است بنظر خوانندگان عزیز می رسد .

اولین جامی که از آن یاد می کنیم ، جام مسی کنده کاری شده بسیار زیبایی از قرن ۱۱ یا ۱۲ هجری است (شماره ۱) . سطح خارجی جام دارای چهار حاشیه است ، دو حاشیه باریک و دو حاشیه پهن . حاشیه باریک فوقانی عبارت از خطوط تزئینی دنبال همی است که لبه جام را دور می زند ، و حاشیه باریک دوم دایره ای از ترنجهای کوچک تزئینی است ، که سطح زیرین جام را دربر گرفته است . یکی از دو حاشیه نسبتاً پهن میانی شامل مجالس کنده کاری شده زیبایی از جنگ فیلهها ، دیدار لیلی و مجنون در صحرا ، مجلس بزم و تصاویر حیوانات است ، که هر یک در نوع خود بسیار زیبا و ظریف و زنده نقش شده است . چهارمین حاشیه این جام چهار بیت شعر ، شامل دو دوبیتی است که بخط نسبتاً خوش نستعلیق کنده شده است :

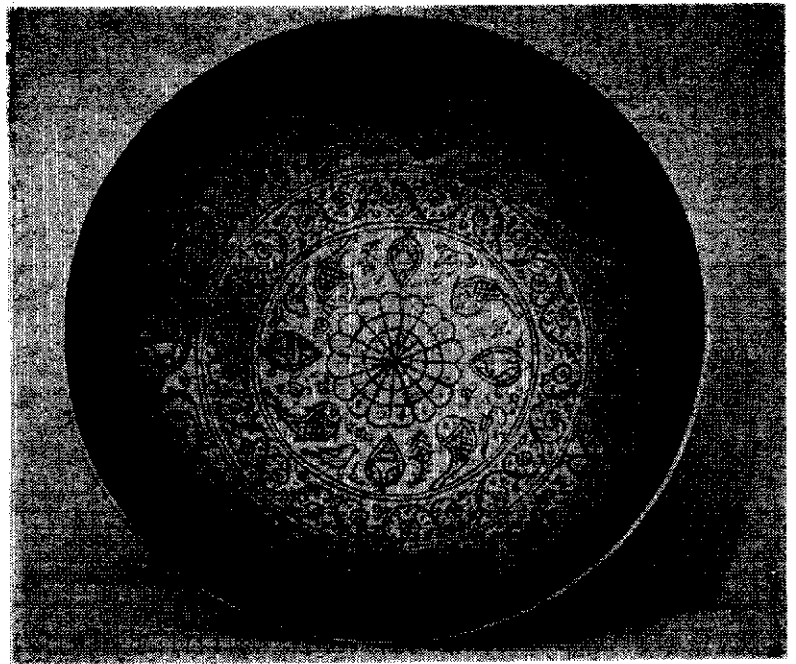
تا جام بلب آن بت گلفام گرفت از لعل وی آتش بدل جام گرفت
از رشک آمد خون صراحی در جوش کز لعل لبش جام چرا کام گرفت

*

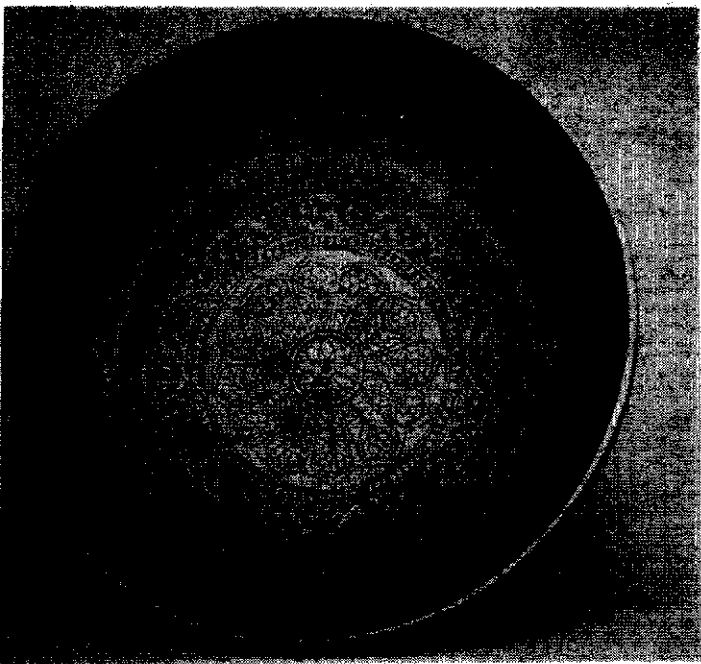
این جام بتان سیم غیبب بادا گاه از می و گه ز آب تا لب بادا
یارب که لبش چون لب شیرین دهنان پیوسته بکام اهل مشرب بادا

دومین جام (شماره ۲) ، عبارت از یک جام مسی کنده کاری شده است که تقریباً تمام سطح داخلی و خارجی آن با نقوش حیوانات ، پرندگان ، گل و برگ و ترنج و نیم ترنج بطرز بسیار ظریف و زیبایی کنده کاری شده است . بر لبه خارجی این جام شش بیت از یک غزل منسوب بحافظ نقش گردیده :

ساقیا برخیز و در ده جام را خاک بر سر کن غم ایام را
ساغر می در کفم نه تا ز سر بر کشم این دلق ازرق فام را
گرچه بدنامیست نزد عاقلان ما نمی خواهیم تنگ و نام را
با دل آرامی مرا خاطر خوشست کز دلم یکباره سرد آرام را
باده در ده چند از این باد غرور خاک بر سر نفس نافر جام را



نقوش داخلی جام سمت راست



جام برنجی کنده کاری شده سده ۱۳ هجری - موزه هنرهای تزئینی

صبر کن حافظ بسختی روز و شب
 دسته دیگر، جامهای برنجی هستند. این جامها از نظر ساختمان ظریفتر و سبکتر از دسته
 اولند و از نظر زیبایی نقوش ودقت در کنده کاری نیز غالباً از جامهای مسی زیباتر و برترند.
 گاهی پشت یا روی این جامها سراسر کنده کاری شده، و زمانی نیز کنده کاری و تزئین
 شامل هردو روی جام می گردد.

نقوش این جامها شامل مجالس بزم، نقوش حیوانات و پسرندگان، گیاهان، گلها
 و نقشهای هندسی است. روی اغلب آنها نیز اشعاری که با جام و پیاله ارتباط دارد مشاهده می گردد.
 بطور نمونه در جام (شماره ۳) سی و دو تصویر حیوان و شاترده صورت انسان و دهها نقش گل و گیاه
 و درخت کنده کاری شده است. اشعاری که برای جام نقش شده چنین است:

کنون که در چمن آمد گل از عدم بوجود بنفشه در قدم او نهاده سر بسجود
 بنوش جام صبوحی بناله دف و چنگ بیوس غنغب ساقی به نغمه نی و عود

*

پیر میفرمود در میخانه دوش : که ببینم از مراد خویش کامی
 همین میگویدم در باغ بلبل بفصل گل مده از دست جامی
 (البته پیدا است که مصرع اول این دوبیت با سه مصرع دیگر مربوط نیست).
 این ابیات شیرین حافظ را نیز بر لبه خارجی جام برنجی دیگری (شماره ۴)، که سطح
 داخلی آن سراسر پوشیده از نقوش گوناگون پرندگان و حیواناتی مانند طاووس، بلبل، ماهی
 و صورتهای زنان و مردان جوان، و گلها و درختهای بسیار است کنده اند.

ساقی بنور باده برافروز جام ما مطرب بزن که کار جهان شدم بکام ما
 ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما

*

ایام گل است و شادمانی ساقی بده آب زندگانی
 در سبزه خوش است جام باده با لاله رخان ارغوانی
 و آخرین جام مورد بحث ما، جام برنجی دیگری است (شماره ۵) که تمام سطح داخلی آن با گل
 و برگ، و صورتهای انسانی پوشیده شده، و در میان آن ترنج بسیار زیبا و جالبی نقش گردیده،
 اشعار این جام چنین است:

عکس روی تو چو در آینه جام افتاد عارف از خنده می در طمع خام افتاد
 جلوه ای کرد رخت روز ازل زیر نقاب این همه نقش در آئینه او هام افتاد